

کتابگزاری

از: آرسن نظریان*

فرهنگ اصطلاحات هلندی – فارسی Nederlands-Perzisch Idioomwoordenboek
تالیف: افشین افکاری

(اصل این نقد، به زبان هلندی در نشریه "لینگوان" Linguaan ، ارگان انجمن مترجمین هلند ، شماره 6 ، سال 2008 ، منتشر شده است . متن فارسی حاضر دارای تغییراتی جزئی است و بخش 5 مربوط به املاء نیز به آن اضافه گردیده است .)

ضرب المثل (یا مثل) فارسی: " دندان اسب پیشکشی را نمی شمردند" . ضرب المثل هلندی: " دهان اسب پیشکشی را نگاه نمی کنند" . تقریباً همان کلمات برای بیان همان مقصود به کار رفته است . تعداد این قبیل امثال و اصطلاحات که با واژه های مشابه یا تقریباً مشابهی در هر دو زبان حکم واحدی را اعلام می کنند نسبتاً زیاد است .

لکن ، گرچه این تشابهات شایان توجه است ، اما مختص زبانهای فارسی و هلندی نیست . این همانندیها در زبانهای ملل واقوامی که تاریخ ، فرهنگ ، آداب و رسوم و ادیان متفاوتی دارند ، به چشم می خورد . این واقعیت خود نمایانگر جهانشمولی ظرافت فکرو خرد بشری است که در اصطلاحات ومثلها وگفتارهای نغز ملل با استحکام و زیبایی تجلی می یابد .

شاید به همین دلیل ، این زمینه از زبان و ادبیات ، قلمرویی است که نه تنها برای مبتدیان ، بلکه برای کسانی که آشنایی بیشتری با زبان دارند نیز مشکل آفرین است . عموماً اصطلاحات ومثلها را نمی توان لغت به لغت ترجمه کرد . بنابراین ، گروه هدف برای چنین فرهنگی کسانی هستند که مقداری آشنایی به زبان فارسی یا هلندی داشته باشند .

لازم است یادآوری شود که فکرنوشتن نقد در مورد فرهنگ مورد بحث از آن نویسنده نبوده است . نویسنده ، در واقع توسط یکی از همکاران هلندی فعال در کانون مترجمین هلند تشویق به اینکار شد . ایشان ، به گفته خودش ، مثل بسیاری از همکاران هلندی علاقمند ، می خواستند بدانند که یک نفر ایرانی در مورد بخش فارسی کتاب چه نظری دارد ، زیرا آنها (هلندیها) که فارسی نمی دانند ولذا نمی توانند آن بخش را بخوانند ودر باره آن قضاوت کنند . بعلاوه ، خود آقای افکاری از خوانندگان خواسته است که اگر نظری در مورد کتابش دارند ، به اطلاع برسانند . بنابراین ، من بررسی ام را به بخش فارسی آن منحصر می کنم .

بررسی مفصل بخش فارسی به زبان هلندی به دلایل روشن امکان پذیر نبود . جنبه های مختلفی از کتاب ، مثل اصلیت وریشه اصطلاحات وامثال ، تفسیر و تعبیر آنها * ، املاء و غیره را مشکل می شد به زبان هلندی طرح و بررسی کرد . کتابگزاری حاضر نیز فقط به جنبه هایی از فرهنگ مورد بحث پرداخته که برای فارسی زبانانی که هلندی می آموزند و یا هلندیانی که فارسی یاد می گیرند ، از نظر نویسنده مهم می تواند باشد .

1 -- ترجمه لغوی اصطلاحات هلندی به فارسی

در کتاب به موارد بسیاری برمی خوریم که معادلهای فارسی صرفاً ترجمه لغوی مثلها و اصطلاحات هلندی است ، در حالی که در فارسی معادلهای بسیار زیبایی هست که در هیچ جای کتاب به چشم نمی خورد . بالنتیجه ، بخش زیبایی از زبان فارسی به فراموشی سپرده شده است . چند مثال می آوریم : ص 85 – مثل هلندی (ترجمه لغوی) : دزدان را با دزدان می گیرند . معادل فارسی که در برابر آن آورده شده : دزد را باید با دزد گرفت . این در واقع ، ترجمه لغوی مثل هلندی است و گرچه معنی آنرا

به درستی ارائه می دهد ، اما مثل یا اصطلاح رایجی در فارسی نیست . درحالی که در فارسی بیت بسیار زیبایی هست که این معنا را به طور کامل افاده می کند : *شغال بیشه مازندران را نگیرد جز سگ مازندرانی* .

مثال دیگر: ص 267 - مثل هلندی (ترجمه لغوی) : برای یادگرفتن هیچ وقت دیر نیست . معادل فارسی در کتاب : *برای یادگیری هیچ وقت دیر نیست* . در ادبیات فارسی ، مثل /گفتار بسیار مشهوری هست که از قدیم الایام تا به امروز زینت بخش صفحه اول کتابهای درسی ، دانشنامه ها و غیره می باشد: *زگهواره تاگوردانش بجوی* . این گفتار و پند نغز در واقع همان مقصود و مفهوم مثل هلندی را بیان می کند ، منتها با کلماتی زیباتر ، شاعرانه تر و موثرتر . نقش و کارکرد یک مثل نیز همین است . باز هم مثالی دیگر: ص 430 - مثل هلندی (ترجمه لغوی): وطن آنجاست که آدم خوش باشد . معادل فارسی در کتاب : *وطن آنجاست که دل خوش است* . راستش من این مثل یا عبارت فارسی را به اینصورت نه درجایی شنیده و نه خوانده ام . اما بیت شعر معروفی هست (نمی دانم از کدام شاعر) که همین مقصود را بسیار زیبا بیان می نماید :

وطن آنجاست که آزاری نباشد کسی را باکسی کاری نباشد .

همانطور که گفتیم ، از این دست معادلهای فارسی که ترجمه لغوی اصطلاح یا مثل هلندی است ولی خود مثل یا اصطلاح (رایج) فارسی به شمار نمی رود ، در کتاب بسیار است .

2 -- لغات "عربی"

مانند بسیاری از لغات و اصطلاحات لاتین که در نتیجه استفاده مداوم طی قرنهای متمادی به طور کامل در زبانهای اروپایی جذب شده و جزو آن زبانها شده اند (یک نمونه اصطلاح بعدی است که به عنوان مثال ذکر کرده ایم) ، بسیاری از لغات ، اصطلاحات و ترکیبات لغوی عربی نیز در زبان فارسی به طور کامل جا افتاده و جزئی از زبان فارسی شده است . این لغات و اصطلاحات از زمان فتح ایران توسط اعراب در قرن هفتم میلادی وارد زبان فارسی شده و هم توسط دستگاههای حکومتی ، تذکره نویسان ، نویسندگان و شعرا (مثل سعدی ، حافظ بسیاری دیگر) و هم افراد عادی و عامی به کار رفته است . به سخن دیگر ، عناصر عربی مورد استفاده در فارسی انگ فارسی گرفته و به همین صورت هم به کار برده شده است . اینها را دیگر نمی توان از زبان فارسی کنونی دور ریخت . این گروه از مثلها ، اصطلاحات و گفتارهای نغز هم کلا به کنار گذاشته شده و بدین ترتیب بخش دیگری از زبان و ادبیات فارسی در کتاب به دست فراموشی سپرده شده است . چند مثال می آوریم :

ص 27 - اصطلاح هلندی (متشکل از اولین و آخرین حروف الفبای لاتین) : Alfa en Omega (آلفا ان اُ میگا) . معادل فارسی کتاب : *اول و آخر* ، که ترجمه غلطی نیست ، اما معادل بسیار رایجتری برای آن در فارسی هست که در اینجا از آن خبری نیست : *ب بسمه الله تا تای تمه* . این اصطلاح "عربی" / فارسی عینا برای همان منظور مستتر در مثل هلندی به کار می رود و هیچ نقش یا کارکرد مذهبی هم ندارد .

مثالی دیگر: ص 268 - مثل هلندی (ترجمه لغوی): منم یک انسانم و هیچ چیز از یک انسان بعید نیست . معادل فارسی کتاب : *ما آدمیم و آدمها هم اشتباه می کنند* . باز هم ترجمه صرفا لغوی مثل هلندی . مثل رایج در فارسی با ترکیب لغات عربی : *بشر جایز الخطا ست* .

مثالی دیگر: ص 344 - اصطلاح هلندی (ترجمه لغوی): *حقوق قویترینها* . معادل فارسی کتاب : هر که زورش بیش حش بیشتر . به خودی خود ، توضیح غلطی نیست ، اما باز اصطلاح رایج در فارسی برای منظور مورد بحث نمی باشد . مثل رایج در فارسی ، ولو با لغات عربی : *لِحَقُ لِمَنْ غَلَبَ* .

لازم به توضیح می دانم که منظور ما تشویق استفاده از کلمات عربی در همه موارد نیست ، به ویژه هنگامی که معادل فارسی (سره) برای آن باشد . همینطور ، سیاست رسمی آموزش در ایران که عربی

را ماده درسی اجباری در مدارس نموده قابل توجه نیست. لکن، بر همین سیاق، طرد و بایکوت دلخواهانه بخشی از زبان رایج را نیز، گزافه گرایی در جهت مخالف می دانیم.

3 -- لغات، افعال و اصطلاحات عادی

هم در بخش فارسی و هم در بخش هلندی به مواردی برمی خوریم که نام اصطلاح یا مثل را نمی توان بر آن گذاشت. اگر طبق تعریفی که در مقدمه کتاب درباره واژه "اصطلاح" به هلندی ارائه شده، "غرض از اصطلاح کلیه ترکیببات لغوی حاوی مفهومی" باشد که به سادگی از عناصر مشکله اصطلاح نتوان استنباطش کرد"، در اینصورت کتاب دارای تعداد قابل توجهی "اصطلاحات" است که در واقع اصطلاح یا مثل نیستند، بلکه لغات، افعال یا عباراتی هستند که در کتاب لغت عادی هم آنها را می توان یافت و احتیاجی به کتاب ویژه اصطلاحات برای آنها نبود. چند مورد را که در هر دو زبان با لغات و واژه های یکسانی آورده شده (غیر از این هم نمی شد) به عنوان مثال ذکر می کنیم:

ص 176 - آخرین امید خود را به کسی / چیزی بستن
ص 298 - در وضع موجود
ص 387 - اقدام کردن

اصطلاحات و امثال معمولاً برای این به کار می روند که به گفتار قاطعیت و نیرو ببخشند و در حد خود یک خلاقیت ادبی به شمار می روند. درست به دلیل ترکیب و ساختار پیچیده شان، این بخش از سخن "اصطلاح" شده است، و گرنه با لغات و کلمات عادی هم می توانستیم مقصود را ادا کنیم. اینکه، این مقصود با کلمات یا ترکیبی از کلمات عربی یا فارسی سره ادا شود یا نه فرق زیادی نمی کند. کافی است که مردم عادی آنرا در زبان محاوره ای شان به کار برند.

4 -- معادل های غلط و یا شبهه برانگیز برای اصطلاحات هلندی

گاه به گاه به مواردی برمی خوریم که به سختی می توان با تعبیر و تفسیر مولف از اصطلاح یا مثل هلندی موافق بود و یا حداقل آن تفسیر جای شک و تردید باقی می گذارد و بدین جهت هم معادلی غلط برای آن در فارسی آورده شده است. مثالها:

ص 225 - اصطلاح هلندی: گوهر رابرتارک تاج نشانندن / مرحله نهایی و پیراهمیت کاری را با مهارت و زیبایی به انجام رسانندن. معادل فارسی در کتاب: برکار (خود) صحه گذاشتن.

معادل صحیح فارسی هر چه باشد، به هر حال این آنچه نیست که منظور و مراد از اصطلاح هلندی است.

مثال دیگر: ص 266 - اصطلاح هلندی: لایحه/ یادداشت توضیحی. معادل فارسی کتاب: بیانیه کتبی.

اولاً، واژه "بیانیه" در فارسی خود به معنای اعلامیه یا موضع گیری کتبی است و لزومی به افزودن "کتبی" به آن نیست. بعلاوه، بیانیه سندی است که توسط یک سازمان دولتی یا سیاسی برای اطلاع عموم انتشار می یابد و نه، آنطور که در شرح اضافی ذکر شده، برای توضیح دلایل و انگیزه یک لایحه قانونی مطرح در مجلس. برای این منظور، در فارسی "یادداشت یا لایحه توضیحی" به کار می رود. (در انگلیسی: Explanatory note)

5 - املاء

املای فارسی کتاب نیز حاوی بدعتهایی است که در جاهای دیگر دیده نشده، مثل نوشتن صفات تفضیلی - که در فارسی با افزودن پسوند "تر" به صفت مطلق ساخته می شود و معمولاً سر هم نوشته می شود - با املای دیگری، یعنی بصورت جدا از هم. مثال: بیش تر (ص 11) بجای بیشتر، مهم

تر(ص 12) بجای مهمتر، یا افزودن الف به ضمیر متصل سوم شخص: دست /ش نزن (ص 177) بجای دستش نزن ، مولای درزش نمی رود (ص 478) بجای مولای درزش نمی رود و غیره .

نتیجه گیری

با وجود کار و زحمت فراوانی که برای پدید آوردن این کتاب ، از جمله به کمک چند استاد هلندی، صرف شده ، بخش فارسی آن در مقایسه با بخش هلندی دارای نواقص و نارسایی های قابل توجهی است . فقدان معادلهای رایج (تر)، زیباتر و وجیه تر، همچنین وسواس احتراز از کلمات و اصطلاحات "عربی" باعث شده که بخش مهم و زیبایی از زبان و ادبیات فارسی از دسترس خوانندگان خارج بماند . این خلاء ، متأسفانه در انتشارات دیگر آقای افکاری نیز به چشم می خورد .

این، البته به معنای آن نیست که بهتر بود که کتاب اصلاً منتشر نمی شد . فرهنگ حاضر، بطور قطع یکی از کوششهای عمده در زمینه اصطلاحات دوزبانه فارسی - اروپایی است . بیشتر اصطلاحات و امثال کمابیش رایج هستند و به هر حال مفهوم اصطلاحات و مثلهای هلندی را ، ولو به صورت ترجمه لغوی، به درستی ارائه می کنند. کتاب می تواند از طرف دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و هلندی مورد استفاده قرار گیرد . اما اینکه آنرا مرجع و اثر استاندارد برای اصطلاحات و امثال فارسی - هلندی یا هلندی - فارسی بدانیم ، جای شک و تردید جدی است .

1 - بجای "وطن" ، "بهشت" هم به کار می رود .
2 - یک نمونه از تفسیر نادرست اصطلاحات یا امثال فارسی (که ضمناً در روزنامه هلندی 06-11-2008, p 23 NRC Next از آن نقل قول شده و آقای افکاری نیز یک کپی از بریده جریده حاوی نقل قول را برای همکاران ، از جمله من، فرستاده ، به مثل زیر مربوط می شود:

مثل هلندی (ترجمه لغوی): هرکه نشیمنش را می سوزاند باید روی تاولها یش هم بنشیند . معادل فارسی : هرکه خربزه می خورد پای لرزش هم می نشیند . تا اینجا درست . مثل فارسی معادل صحیح مثل هلندی است . اما تفسیری را که آقای افکاری از دلیل لرزیدن پس از خربزه خوردن می آورد ، من در هیچ جا نه شنیده و نه دیده ام . ایشان به مستمعین هلندیشان توضیح می دهند که چون خربزه میوه بسیار شیرینی است ، خوردن آن انسان را به لرزش وا می دارد . (!!) در واقع ، خربزه در بین ایرانیان به عنوان یک میوه "سردی آور" مشهور است و کسی که از آن زیاد بخورد ، احتمال زیاد هست که ناخوش بشود و به تب و لرز گرفتار آید . دلیل لرزش ، بنابراین، شیرینی آن نیست ، بلکه خاصیت سردی آور بودن آنست .

مشخصات کتاب:

Nederlands-Perzisch Idioomwoordenboek

فرهنگ اصطلاحات هلندی - فارسی

Afshin Afkari

Amsterdam University Press

ISBN 9789089640079

518 صفحه

قیمت : 29,50 یورو

* آقای نظریان ، مترجم رسمی دانشگاهی هلند برای زبانهای فارسی، ارمنی و انگلیسی و عضو انجمن مترجمین هلند می باشد .
